پژوهشى در بيت المال‏

قسمت سوم‏

هزينه‏هاى بيت المال‏

ناصر رفيعى محمدى‏

مقدمه‏

مراد از هزينه‏ها، موارد مصرف بيت المال است. بيت المال به عنوان مهمترين پشتوانه مالى حكومت، داراى مصارف خاص و عام بود كه اساس بودجه و برنامه‏ريزى اقتصادى دولت را تشكيل مى‏داد. كنترل موارد مصرف بيت المال و برنامه‏ريزى دقيق آن مطابق نيازهاى موجود از حساسترين زير ساخت‏هاى اقتصادى حكومت است. اگر اين بخش دچار كجروى و انحراف شود و به خوبى اداره نشود، دريافتها و درآمدهاى بيت المال به هر ميزان كه باشد پاسخگو نخواهد بود.

براى حفظ كارآمدى بيت المال و پرهيز از اختصاص درآمدهاى دولتى به گروهى خاص، قبل از حسابرسى دقيق و برخورد قاطعانه با تخلفات، برنامه‏ريزى اصولى و استفاده بهينه از سرمايه‏هاى دولتى يك ضرورت است. مصرف بدون برنامه و بى حد و مرز از يك سو، بخل و ناتوانى حاكمان از مصرف صحيح و راكد گذاشتن سرمايه‏هاى عمومى از سوى ديگر، موجب بيمارى اقتصادى شده و پايه‏هاى حكومت را ويران مى‏كند.

امام على - عليه السلام - در نامه به مالك اشتر مى‏نويسد:

«من طلب الخراج بغير عمارة اخرب البلاد و اهلك العباد» (1)

«حاكمى كه ماليات بگيرد، اما به آبادانى نپردازد، كشور را نابود و مردم را هلاك مى‏كند.»

در زمان ما دولتها ميزان درآمدها و مصارف عام و خاص آن را در قالب بودجه هر ساله تنظيم و به مجلس تحويل مى‏دهند. در قانون اساسى جمهورى اسلامى نيز چنين آمده است:

« بودجه سالانه كل كشور به ترتيبى كه در قانون مقرر مى‏شود از طرف دولت تهيه و براى رسيدگى و تصويب به مجلس شوراى اسلامى تسليم مى‏گردد، هر گونه تغيير در ارقام بودجه نيز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.»(2)

در صدر اسلام به ويژه دوران حكومت امام على - عليه السلام - درآمدهاى دولت از راه‏هاى مختلفى مانند خمس، زكات، خراج، جزيه، انفال، فى‏ء، و غنائم به دست مى‏آمد. شكل مصرف برخى از اين درآمدها مانند خمس و زكات به صراحت در نصوص دينى معين بود. به عنوان مثال تقسيم خمس در سيره پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - به پنج قسمت بود: قسمتى بر سهم الله و سهم الرسول، قسمتى براى ذوى القربى، سه قسم ديگر براى يتيمان، نيازمندان و در راه‏ماندگان از بنى هاشم.

قطع نظر از اين موضوع موارد مصرف بيت المال را در گذشته به ويژه دوران خلافت امام على عليه السلام - مى‏توان به دو قسمت مصارف خاص و عام تقسيم كرد.

مصارف عام‏

1- مستمرى: مستمرى مبلغ مشخصى بود كه دولت اسلامى آن را در ميان همه مسلمانان تقسيم مى‏كرد. در زمان رسول خدا - صلى الله عليه و آله - كه هنوز بيت المال به صورت رسمى شكل نگرفته بود، اموال عمومى و غنايمى كه به دست آن حضرت مى‏رسيد به سرعت بين مسلمانان توزيع مى‏شد. گاهى اين كار در همان ميدان جنگ و به دنبال به دست آمدن غنايم صورت مى‏گرفت، شيوه رسول خدا - صلى الله عليه و آله - در اين مورد تقسيم مساوى اموال بود.(3)

البته در مواردى با توجه به صلاحديد به افرادى بيشتر مى‏داد. به عنوان مثال در جنگ حنين كه غنايم فراوانى به دست آمد، به ابوسفيان و پسرش معاويه و حكيم بن حزام و صفوان بن اميه و چند تن ديگر 100 شتر بخشيد كه اين امر موجب كدورت برخى از انصار شد.(4)

اين پرداخت به دليل شناور بودن درآمدها و ناپايدار بودن دريافتها ثابت نبود و تغيير مى‏كرد.

ابوبكر نيز در توزيع بيت المال همين شيوه را داشته و چيزى را ذخيره نمى‏كرد.(5) او ديوان تشكيل داد و اسامى بنى هاشم، بنى مطلب و ساير قبيله‏هاى قريش را ثبت كرد.

عمر نيز در آغاز شيوه ابوبكر را پيموده و سعى در تقسيم مساوى بيت المال داشت، اما به دنبال افزايش غير قابل پيش‏بينى غنايم و رشد نجومى ارقام و درآمدهاى بيت المال، شيوه ابوبكر را كنار گذاشته و بنيانهاى تبعيض را در نهاد بيت المال پايه‏ريزى كرد.

سياست عمر در تفاضل و برترى افراد بر اساس سابقه آنها در اسلام و خويشاوندى با پيامبر خدا بود، طبرى گزارش مى‏كند: « عمر ديوان بنهاد و نام خلق بنوشت؛ نخستين گروه بنى هاشم را نوشت و از پس بنى هاشم بدريان را نبشت و پس از بدريان هر كه از پس بدريان مسلمان شده بودند و با پيغمبر - صلى الله عليه و آله - شاهد شده بودند تا روز فتح مكه به وقت پيغمبر و از پس وى تا به وقت اميرالمؤمنين، ابوبكر ايشان را نام بنوشت و هر كه از مدينه بودند به شام و عراق از سوار و پياده همه را نام بنوشت.» (6)

عمر براى هر يك از مهاجرين اوليه كه در جنگ بدر حاضر بودند 4000 هزار درهم و براى هر يك از زنان پيامبر خدا 10000 هزار درهم مستمرى تعيين كرد و براى عايشه 12000 هزار درهم مستمرى اختصاص داد و براى هر يك از كسانى كه پيش از فتح مكه به مدينه هجرت كرده بودند 3000 هزار درهم مستمرى برقرار كرد، سپس براى هر يك از كسانى كه پس از فتح مكه مسلمان شده بودند 2000 هزار درهم و براى هر يك از مردم يمن و قبيله قيس در شام و عراق به تفاوت از سيصد، پانصد، هزار تا دو هزار درهم مستمرى معين كرد.(7) عثمان بن عفان بر ميزان مستمريهايى كه عمر بن خطاب تعيين كرده بود، افزود.

برخى خلفا نيز به سبب اغراض سياسى به كاهش مستمريها يا قطع آنها پرداختند.(8) امام على - عليه السلام - پس از تصدى حكومت و بيت المال اقدام به پرداخت مساوى مستمرى كرد، آن حضرت در تقسيم بيت المال تفاوتى بين اشراف و ديگران نمى‏گذاشت، امام در آغازين روزهاى خلافت خود هشدار داد كه ديگر اجازه نمى‏دهد تاخت و تاز به بيت المال ادامه يابد.

آن حضرت ضمن رد اين كه سبقت در اسلام يا جهاد يا مصاحبت با پيامبر سبب امتياز در تقسيم بيت المال شود، اعلام كرد كه پاداش اين امور با مال نيست بلكه خداوند اجر مجاهدان و سابقان در اسلام را مى‏پردازد:

«انكم عبادالله و المال مال الله يقسم بينكم بالسويه.»

«شما بندگان خداييد و اموال بيت المال نيز از آن اوست بنابراين به صورت مساوى تقسيم خواهد شد.»

آن حضرت در پاسخ افرادى كه مى‏گفتند مردم دل به دنيا بسته‏اند، معاويه با هديه‏ها و پولهاى فراوانى آنها را جذب مى‏كند، شما هم از تقسيم مساوى بيت المال دست برداريد تا به شما گرايش پيدا كنند، فرمود:

«لو كان المال لى لسويت بينهم فكيف انما المال مال الله».(9)

«اگر اين اموال از خودم بود به گونه‏اى مساوى در ميان مردم تقسيم مى‏كردم، تا چه رسد كه جزو اموال خداست.»

هنگامى كه طلحه و زبير بناى مخالفت با امام را گذاشتند، حضرت به دنبال آنان فرستاده و علت نارضايتيشان را جويا شد. آنها گفتند: « براى اين كه بر خلاف عمر بن خطاب در تقسيم بيت المال عمل مى‏كنى، تو حق ما را مانند ديگران قراردادى و اموال و زمينهايى را كه خداوند متعال به وسيله شمشيرها، نيزه‏ها و تاخت و تاز با اسبها و پاهايمان نصيب كرد، گرفتى و ميان ما و افرادى كه با ما برابر نيستند به صورت مساوى تقسيم كردى.»

امام در پاسخ فرمود: « پيش از اين، قومى به اسلام پيشى گرفته آن را با شمشيرها و نيزه‏هاى خود يارى كردند، اما رسول خدا - صلى الله عليه و آله - به آنان سهم بيشترى نداد و آنها را به سبب سبقت در اسلام برترى نداد.»(10)

حضرت على - عليه السلام - با استناد به آيات قرآن و سنت پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - تقسيم مساوى بيت المال را جزو اصول ثابته و غير قابل تغيير دانسته و در برابر افرادى كه حاكم را در هزينه كردن آن مختار مى‏دانستند، مقاومت كرد.

حفص بن غياث گويد: امام صادق - عليه السلام - در مورد تقسيم بيت المال فرمود:

«اهل الاسلام هم ابناء الاسلام اسوى بينهم فى العطاء و فضائلهم بينهم و بين الله اجعلهم كبنى رجل واحد لايفضل احد منهم لفضله و صلاحه فى الميراث على الاخر ضعيف منقوص، قال - عليه السلام - و هذا هو فعل رسول الله فى بدو امره و قد قال غيرنا اقدمهم فى العطاء بما قد فضلهم الله بسوابقهم فى الاسلام.»(11)

« مسلمانان خود فرزندان اسلام هستند، در بخشش بين ايشان مساوات قايل مى‏شوم و برترى هر كدام از ايشان بين خودشان و خداست. آنان را مانند فرزندان يك مرد واحد قرار مى‏دهم و هيچ كدام را بر ديگرى برترى نمى‏دهم، به اين دليل كه او در گرفتن ميراث از ديگرى كه ضعيف و ناتوان است اولى است و فرمود: اين رفتار رسول خدا - صلى الله عليه و آله - در آغاز امر اسلام بود، اگر چه غير از ما، (خلفا) گفتند افرادى را برترى مى‏بخشيم كه خداوند ايشان را به سبقت در اسلام از ديگران فضيلت داده است.»

قابل ذكر است برخى از درآمدهاى بيت المال مانند خمس و زكات داراى مصارف خاص و عناوين معين است، اما برخى ديگر مانند فى‏ء و غنيمت مشمول اين اصل كلى است.

تقسيم بيت المال به شكلى كه ذكر شد امروزه مصداق ندارد، اما آنچه از اين شيوه استفاده مى‏شود توجه دولت اسلامى در تنظيم بودجه و اختصاص درآمدها به همه اقشار و مناطق كشور است. حكومت اسلامى مى‏بايستى در هزينه كردن درآمدهاى عام مانند نفت و ماليات از تبعيض و بى‏عدالتى پرهيز كرده و مانع از انحصارطلبى و رانت‏خوارى شود.

امام على - عليه السلام - در نفى خود محورى و انحصارطلبى به مالك اشتر فرمود:

«و اياك و الاستئثار بما الناس فيه اسوة.»(12)

«بپرهيز از اين كه به خود اختصاص دهى چيزى را كه همگان را در آن حقى است.»

2- تأسيسات عمومى (آبادانى و عمران)

يكى از موارد مصرف بيت المال احداث شهرها، مسجدها، حفر نهرها، ساختن بازار و عمران و آبادانى محدوده ارضى حكومت اسلامى است.

امام على - عليه السلام - طى نامه‏اى به قرظة بن كعب نوشت:

« اما بعد فان رجالاً من اهل الذمة من عمالك ذكروا نهرا فى ارضهم قد عفى و ادفن و فيه لهم عمارة على المسلمين فانظر انت و هم ثم و اعمر و اصلح النهر فلعمرى لئن يعمروا احب الينا من ان يخرجوا و ان يعجزوا او يقصروا فى واجب من صلاح البلاد.»(13)

«همانا مردانى از ذميان حوزه مأموريت تو از نهرى از زمين خود نام بردند كه بى اثر شده و زير خاك رفته است و مسلمانان براى ايشان عهده‏دار احياى آن هستند. پس تو و ايشان بنگريد، آنگاه نهر را احيا كن و آباد ساز، به جانم سوگند اگر آنها آباد و توانمند شوند نزد ما محبوبتر است تا بيرون روند و يا اين كه در مسئله ضرورى اصلاح و احياى سرزمينها ناتوان باشند يا كوتاهى كنند.»

حضرت در اين نامه به قرظة بن كعب اجازه مى‏دهد از بودجه بيت المال براى عمران و آبادانى نهر، گرچه متعلق به غير مسلمانان است، بهره جويد، امام در نامه به مالك اشتر آبادانى و عمران را از اصل اخذ ماليات مهمتر دانسته و مى‏نويسد:

«وليكن نظرك فى عمارة الارض ابلغ من نظرك فى استجلاب الخراج لان ذلك لايدرك الا بالعمارة و من طلب الخراج بغير عمارة اخرب البلاد و اهلك العباد و لم يستقم امره الا قليلاً.»(14)

«تلاش تو در آبادانى زمين بيشتر از جمع آورى خراج باشد كه خراج جز با آبادانى فراهم نمى‏گردد و آن كس كه بخواهد خراج را بدون آبادانى مزارع به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود كرده و حكومتش جز اندكى داوام نمى‏آورد.»

امام على - عليه السلام - براى حمايت از بازاريان، تاجران و فروشندگان اقدام به ساختن بازار كرد تا بازرگانان اجناس خود را عرضه كرده و عموم مردم استفاده كنند، حتى روايت شده كرايه حجره‏ها را نيز دريافت نمى‏كرد.(15)

ابن شهر آشوب ساختن شش مسجد و بازسازى راه مدينه و مكه را به ايشان نسبت داده است.(16) هزينه كردن بيت المال براى احيا و بناى تأسيسات عمومى يكى از ارقام كليدى و چشمگير از هزينه‏هاى بيت المال است كه همواره مورد توجه خلفا و حاكمان اسلامى بوده است.

عمر در سال 17 هجرى مسجد الحرام را توسعه داد، عثمان در سال 26 هجرى دستور داد خانه‏هاى اطراف مسجد الحرام را خريده و آنها را ضميمه مسجد سازند، وليد بن عبدالملك 1725 متر بر بناى مسجد الحرام افزود و همچنين از بودجه بيت المال كه آن زمان مملو از غنايم و اموالى بود كه به عنوان خراج، جزيه و عشريه به شام مى‏رسيد، اقدام به توسعه مسجد النبى و بناى بسيارى از اماكن مدينه كرد و جامع اموى دمشق را احيا كرد. منصور دوانيقى نيز نزديك به 5هزار متر مربع بر بناى مسجد الحرام افزود.(17) در سال 160 هجرى مهدى عباسى با اختصاص 100 هزار درهم، مسجد بصره را توسعه داد، معتصم شهر سامرا را بنا كرد و 500 هزار دينار براى احداث مسجد جامع آن هزينه كرد، معتضد عباسى دستور داد دور شهر بصره را با هزينه 14 هزار دينار ديوار بشكند، در روزگار مأمون عباسى 100 هزار دينار براى جلوگيرى از طغيان رودخانه‏هاى اهواز به تأسيس سيل بند اختصاص يافت و...(18)

مصارف خاص‏

بيت المال مصارف خاصى داشت كه به تشخيص حاكم اسلامى و بر اساس اولويت سنجى صورت مى‏پذيرفت. اين هزينه‏ها تابع شرايط و حوادث هر زمان بود، در ايام جنگ و حمله‏هاى نظامى يا وقوع حوادث غيرمترقبه مانند سيل، زلزله و مانند آن بنا بر ضرورت، مصلحت و اولويت سنجى اين بودجه مورد استفاده قرار مى‏گرفت. البته پيش بينى و اختصاص بودجه خاص آن گونه كه امروز معمول است، در دوران گذشته به ويژه صدر اسلام نبوده است، اما اولويت سنجى و برنامه ريزى در تخصيص بودجه مورد توجه بود. در اينجا عمده‏ترين مصاديق مصرف خاص بيت المال ذكر مى‏شود:

1- هزينه‏هاى نظامى‏

يكى از عوامل استقلال سياسى حكومت، اقتدار نيروهاى مسلح و آمادگى آنان براى دفاع در برابر دشمنان است. پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - غنايم را بين رزمندگان تقسيم مى‏كرد؛ امام على - عليه السلام - نيز اهتمام ويژه‏اى به امور معنوى و دنيوى نظاميان داشت؛ امام سپاه ويژه‏اى داشت كه به « شرطة الخميس» معروف بودند و آمار آنان بالغ بر 6000 نيرو بود.(19)

امام يكى از وظايف حاكم را تأمين نيازهاى زندگى نظاميان مى‏دانست كه از بيت المال تأمين مى‏شد. حضرت در نامه‏اى به مالك اشتر نوشت:

«ثم لا قوام للجنود الا بما يخرج الله لهم من الخراج الذى يقوون به على جهاد عدوهم و يعتمدون عليه فيها يصلحهم و يكون من وراء حاجاتهم.»(20)

«سپس سپاهيان اسلام جز به خراج و ماليات رعيت ( بيت المال) كه با آن براى جهاد با دشمن تقويت شوند و براى اصلاح امور خويش به آن تكيه كنند و نيازمنديهاى خود را بر طرف سازند، پا نمى‏گيرد.»

در بخش ديگرى از نامه، رسيدگى ويژه به امور نيروهاى مسلح را مورد تأكيد قرار داده و مى‏نويسد:

« ثم تفقد من امورهم ما يتفقده الوالدان من ولدهما و لايتفاقمن فى نفسك شى‏ء قويتهم... به فافسح فى امالهم و واصل فى حسن الثنا عليهم و تعديد ما ابلى ذو و البلاء منهم فان كثرة الذكر لحسن افعالهم تهز الشجاع و تحرض الناكل ان شاء الله ثم اعرف لكل امرى‏ء منهم ما ابلى.»(21)

« سپس در كار سپاهيان چنان بنگر كه پدر و مادر در كار فرزندشان مى‏نگرند و مبادا آنچه كه آنان را بدان نيرومند مى‏كنى، نزد تو بزرگ نمايد، پس اميدشان را برآور و ستودن آنان و برشمردن رنج سختى كشيدگان آنها را پيوسته دار؛ چرا كه ياد كردن بسيار از كارهاى نيك آنان، شجاع را برانگيزد و سركش را به كوشش وادارد. ان شاء الله، آنگاه براى هر يك از آنان رنجها را كه كشيده در نظر دار.»

امام على - عليه السلام - در برابر درخواست امام حسن - عليه السلام -، امام حسين - عليه السلام - ، ابن عباس و عبدالله جعفر كه سهم خويش را از خمس مطالبه مى‏كردند، فرمود: اين حق شماست، ولى چون من درگير جنگ با معاويه هستم اگر مايليد از اين حق درگذريد، امام - عليه السلام - سهم خمس بنى هاشم را در شرايط خاص در زمينه نظامى هزينه كرد.(22)

فراهم ساختن تجهيزات نظامى، استحكامات دفاعى، تأمين حقوق نظاميان و رسيدگى به امور خانواده‏هاى آنان از مصارف ضرورى بيت المال است. اين اولويت همواره مورد توجه حاكمان بوده، در سال 854 ق منصور دوانيقى براى جنگ با خوارج كه در آفريقا قيام كرده بودند، 63 ميليون درهم هزينه كرد؛ حجاج بن يوسف ثقفى هنگام فتح هند 7 ميليون درهم هزينه كرد؛ مهدى عباسى متشكل از هزار سوار براى سركوبى شورش در شمال عراق در سال 162 ق تجهيز كرد و براى هر يك هزار دينار اختصاص داد؛ موفق، خليفه عباسى براى سركوبى شورش صاحب الزنج (على بن محمد بن عبدالرحيم) ده هزار لشكر گسيل داشت كه همه آنان ماهيانه از بيت المال حقوق دريافت مى‏كردند. (23)

امام خمينى مكرر نقش قواى مسلح را در حفظ كشور و لزوم تأمين و پشتيبانى آنان را مورد تأكيد قرار مى‏داد، امام در وصيت نامه خود چنين آورده‏است:

«قواى مسلح از ارتش، سپاه و ژاندارمرى و شهربانى تا كميته‏ها(24) و بسيج و عشاير، ويژگى خاصى دارند، اينان كه بازوان قوى و قدرتمند جمهورى اسلامى مى‏باشند و نگهبان سرحدات و راه‏ها و شهرها و روستاها و بالاخره نگهداران امنيت و آرامش بخشان به ملت مى‏باشند، مى‏بايست مورد توجه خاص ملت و دولت و مجلس باشند.» (25)

2- قشرهاى آسيب‏پذير

علاوه بر تقسيم عمومى بيت المال كه قبلاً ذكر شد، يكى از اولويتهاى مصرف بيت المال تأمين نيازهاى مستمندان و اقشار آسيب‏پذير بود. گر چه يكى از دلايل تشريع زكات نيز تأمين نيازهاى فقيران بود.

قرآن كريم مى‏فرمايد:

«انما الصدقات للفقراء و المساكين و العاملين عليها و المؤلفة قلوبهم و فى الرقاب و الغارمين و فى سبيل الله و ابن سبيل فريضة من الله و الله عليم حكيم»»(26)

« صدقات فقط به تهى دستان و بى نوايان و متصديان و كسانى كه دلشان به دست آورده مى‏شود و در راه آزادى بردگان و وامداران و در راه خدا و به راه ماندگان اختصاص دارد، اين فريضه‏اى از جانب خداست و خدا دانا و حكيم است.»

امام على - عليه السلام - ضرورت رسيدگى به اقشار آسيب‏پذير و اختصاص بخشى از بودجه بيت المال را به محروميت زدايى در نامه به مالك اشتر متذكر شده است:

« ثم الطبقة السفلى من اهل الحاجة و المسكنة الذين يحق رفدهم و معرفتهم و فى الله لكل سعة و لكل على الوالى حق بقدر ما يصلحه.»(27)

« يكى از طبقات محروم مردم طبقه فرودست از نيازمندان و تهى دستانند كه شايسته است يارى رساندن و كمك كردن به آنان و خداوند براى هر دسته گشايشى دارد و هر يك را بر زمامدار حقى است به اندازه‏اى كه او را سامان بخشد.»

« ثم الله الله فى الطبقة السفلى من الذين لاحيلة لهم من المساكين و المحتاجين و اهل البؤسى و الزمنى فان فى هذه الطبقة قانعاً و معتراً و احفظ لله ما استحفظك من حقه فيهم و اجعل لهم قسماً من بيت مالك و قسماً من صوافى الاسلام فى كل بلد فان للاقصى منهم مثل الذى للادنى و كل قد استرعيت حقه.»(28)

« سپس خدا را خدا را در خصوص طبقات پايين و محروم جامعه كه هيچ چاره‏اى ندارند از زمين گيران، نيازمندان، گرفتاران، دردمندان، همانا در اين طبقه محروم گروهى خويشتن دارى كرده و گروهى به گدايى دست نياز بر مى‏دارند، پس براى خدا پاسدار حقى باش كه خداوند براى اين طبقه معين فرموده است، بخشى از بيت المال و بخشى از غله‏هاى زمينهاى غنيمتى اسلام را در هر شهرى به طبقات پايين اختصاص ده؛ زيرا براى دورترين مسلمانان همانند نزديكترين آنها سهمى مساوى وجود دارد، و تو مسئول رعايت آن مى‏باشى. »

امام على - عليه السلام - هنگامى كه مخنف بن سليم ازدى را براى گردآورى ماليات فرستاد، در بخشى از سفارش به او موضوع اهتمام به امور فقيران و مستمندان را متذكر شده و آنان را شريك بيت المال خواند:

« يا مخنف ابن سليم ان لك فى هذه الصدقة نصيباً و حقاً مفروضاً و لك فيه شركاء فقرا و مساكين و غارمين و مجاهدين و ابناء سبيل و مملوكين و متالفين و انا موفوك حقك فوقهم حقوقهم و الا فانك من اكثر الناس يوم القيامة خصماً و بؤساً لامرء ان يكون خصمه مثل هؤلاء.»(29)

« اى مخنف بن سليم! براى تو در اين مالياتها بهره و حقى معين است و تو در آن شريكانى دارى، تنگدستان، تهى دستان، بدهكاران، مجاهدان، در راه ماندگان، بردگان و نيازمندان به الفت و مهربانى، به درستى كه حق تو را كامل ادا كنيم، تو نيز حقوق آنان را كامل ادا كن و گرنه در روز رستاخيز بد دشمنترين مردم خواهى بود و بدا به حال كسى كه دشمنش اينها باشند.»

فقرزدايى بايستى يكى از سياست اصولى حكومت اسلامى باشد، ايجاد زمينه كار، اصلاح الگوى مصرف، مبارزه با اسراف و تبذير، جلوگيرى از تكدى‏گرى و فقر نمايى، ممنوعيت كسبهاى نامشروع و غير قانونى، حرمت ربا، احتكار و رشوه، دعوت اغنيا به تكافل عمومى و خدمت رسانى به نيازمندان، وضع نظام مالياتى كارآمد، برنامه ريزى اصولى براى محروميت‏زدايى، صرفه جويى در هزينه‏هاى دولتى و مانند آن از عوامل مؤثر در كاهش فقر و فاصله طبقاتى است. اما با اين همه هميشه در جامعه طبقه فقير و غنى بوده و افرادى به دليل‏هاى مختلف دچار بيمارى فقر مى‏شوند. اينجاست كه خداى تبارك و تعالى ضمن تشريع حقوق واجب، حق معينى در اموال اغنيا قرار داده است، قرآن كريم مى‏فرمايد:

«والذين هم فى اموالهم حق معلوم للسائل و المحروم»(30)

امام صادق - عليه السلام - در حديثى ذيل اين آيه شريفه مى‏فرمود:

«حق معلوم غير از زكات است كه بر انسان لازم است به نيازمندان دهد.

اين آيه درباره كسى است كه خداوند ثروت و مالى به او مى‏بخشد و او به مقدار هزار يا دو هزار يا سه هزار يا بيشتر و كمتر از آن جدا كرده و با آن صله رحم مى‏كند و مشقت رااز قوم خود بر مى‏دارد.»(31)

امام خمينى، رسيدگى به امور محرومان را مورد توجه قرار داده، فرمود: «خدا نيارد آن روزى را كه سياست ما و سياست مسئولين كشور ما پشت كردن به دفاع از محرومان و روى را آوردن به حمايت از سرمايه‏دارها گردد و اغنيا و ثروتمندان از اعتبار و عنايت بيشترى برخوردار بشوند، معاذالله كه اين با سيره و روش انبياء و اميرالمؤمنين و ائمه معصومين سازگار نيست.»(32)

ايشان در وصيت نامه سياسى الهى خود سفارش مى‏كنند:

«به مجلس و دولت و دست اندركاران توصيه مى‏نمايم كه قدر اين ملت را بدانيد و در خدمتگزارى به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمديدگان كه نور چشم ما و اولياى نعم همه هستند و جمهورى اسلامى ره‏آورد آنان و با فداكاريهاى آنان تحقق پيدا كرد و بقاى آن نيز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نكنيد.» (33)

امام در پيامى به نمايندگان مجلس، تسريع در تصويب قوانين نافع به حال محرومان را يادآور شده و مى‏فرمود: «طرح‏ها و پيشنهادهايى كه مربوط به عمران و رفاه حال ملت خصوصاً مستضعفين است انقلابى و با سرعت تصويب كنيد و از نكته سنجى و تغيير عبارات غير لازم كه موجب تعويق امر است اجتناب كنيد و از وزارتخانه‏ها و مأموران اجرا بخواهيد كه از كاغذ بازيها و غلط كاريهاى زمان طاغوت اجتناب كنند و رفاه ملت مظلوم و عقب‏افتادگى‏هاى آنان را به طور ضربتى تحصيل و ترميم كنند.»(34)

امام خمينى با تكيه بر نقش كليدى مستضعفان در انقلاب اسلامى، ضمن توصيه به رفع نيازمنديهاى آنان و نترسيدن از اتهامات مى‏فرمايد: «ما بايد تلاشمان را بنمائيم تا به هر صورتى كه ممكن است خط اصولى دفاع از مستضعفين را حفظ كنيم. مسئولين نظام ايران انقلابى بايد بدانند كه عده‏اى از خدا بى‏خبر براى از بين بردن انقلاب، هر كسى را كه بخواهد براى فقرا و مستمندان كار كند و راه اسلام و انقلاب را بپيمايد فوراً او را كمونيست و التقاطى مى‏خوانند. از اين اتهامات نبايد ترسيد، بايد خدا را در نظر داشت و تمام هم و تلاش خود را در جهت رضايت خدا و كمك به فقرا به كار گرفت و از هيچ تهمتى نترسيد.» (35)

امروز بر دولت اسلامى است تا با پرداخت يارانه به اقشار كم درآمد و اصلاح روش گرفتن ماليات جلوى موريانه‏هاى فساد مالى را گرفته و از انتقال نامشروع و تجمع غيرقانونى ثروت نزد افراد خاص جلوگيرى كند.

امام على - عليه السلام - در نامه به يكى از فرمانداران خود كه اموال بيت المال را به خويشان خود اختصاص داده بود چنين نوشت:

«بلغنى عنك امر ان كنت فعلته فقد اسخطت الهك و عصيت امامك انك تقسم فى‏ء المسلمين الذى حازته رماحهم و خيولهم و اريقت عليه دمائهم فيمن اعتامك من اعراب قومك.»(36)

«گزارشى از تو به من دادند كه اگر چنان كرده باشى، خداى خود را به خشم آورده‏اى و امام خويش را نافرمانى كرده‏اى، خبر رسيد كه تو غنيمت مسلمانان راكه نيزه‏ها و اسبهايشان گردآورده و با ريخته شدن خونهايشان به دست آمده به اعرابى كه خويشاوندان تو هستند و تو را برگزيدند، مى‏بخشى.»

3- آموزش و پرورش‏

نظام آموزش و پرورش به شكل نهادينه امروزى در نظام اجتماعى صدر اسلام وجود نداشت، اما دين اسلام كه مبتنى بر علم و آگاهى است و آغازين آيات وحى با كلمه « علم و قلم» (37) آمده، زمان تعلم و فراگيرى را از گهواره تا گور خوانده و طالب علم را براى فراگيرى دانشها به سفر به دورترين نقاط توصيه كرده و فراگيرى آن را فريضه خوانده است. پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - در برابر آموزش سواد به مسلمانان، فرمان آزادى اسيران را در نبرد بدر صادر كرد و همواره پيروان خود را به فراگيرى دانش توصيه مى‏فرمود.

امام على - عليه السلام - جهل زدايى و ارتقاى سطح علمى مسلمانان را حق مردم بر حاكم دانسته، مى‏فرمود:

«فاما حقكم علىَّ فالنصيحة لكم و توفير فيئكم عليكم و تعليمك كى لاتجهلوا و تأديبكم كيما تعلموا.»(38)

«اما حق شما بر من خيرخواهى براى شما، زياد كردن ثروت‏هايتان و آموزش دادن است تا در نادانى نمانيد و پرورش شما تا آگاه شويد.»

حضرت در جايى ديگر فرمود:

« على الامام ان تعلم اهل ولايته حدود الاسلام و الايمان.»(39)

«بر امام و پيشواست كه به مردمان تحت حكومتش حدود اسلام و ايمان را بياموزد.»

آن حضرت در شبهاى ماه مبارك رمضان غذايى از گوشت تهيه مى‏كرد و به قبيله‏هاى مختلف مى‏برد تا با آن افطار كنند، سپس اقدام به موعظه و تعليم آنان مى‏كرد.(40)

قانون اساسى جمهورى اسلامى نيز موضوع آموزش و پرورش همگانى و تأمين بودجه آن از طريق دولت را مورد توجه قرار داده است؛ در اصل سى‏ام مى‏خوانيم:

«دولت موظف است وسايل آموزش و پرورش رايگان را براى همه ملت تا پايان دوره متوسطه فراهم سازد و وسايل تحصيلات عالى را تا سر حد خودكفايى كشور به طور رايگان گسترش دهد.»

4- پرداخت بدهى بدهكاران‏

از جمله مصارف بيت المال به ويژه زكات اداى قرض بدهكارانى است كه توانايى پرداخت آن را ندارند؛ بدهكاران از جمله مصارف هشتگانه زكات است. از امام معصوم نقل شده است:

«والغارمين قوم قد وقعت عليهم ديون انفقوها فى طاعة الله من غير اسراف فيجب على الامام ان يقضى عنهم و يفكهم عن مال الصدقات.» (41)

«بدهكاران كسانى‏اند كه بدهى آنان در راه اطاعت خدا بوده و بدون اين كه اسراف كنند، بدهكار شده‏اند. پس بر امام است كه قرض آنان را پرداخت كرده و آنان را با مال صدقات آزاد كند.»

امام صادق - عليه السلام - از رسول خدا - صلى الله عليه و آله - نقل كرده كه فرمود:

«هر مؤمن يا مسلمانى كه بميرد و قرضى به جا گذاشته باشد كه آن قرض در فساد و اسراف نباشد، بر امام است كه قرض وى را ادا كند و اگر پرداخت نكرد، گناه اين عمل بر عهده اوست.»

امام رضا - عليه السلام - فرمود:

«المغرم اذا تدين او استدان فى حق رجل سنة فان اتسع و الا قضى عنه الامام من بيت المال.»

«بدهكار هنگامى كه قرض مى‏گيرد يا براى كسى ضامن مى‏شود، تا يك سال اگر توانست مى‏پردازد، در غير اين صورت، امام از بيت المال قرض او را مى‏پردازد.»

امام على - عليه السلام - نيز در نامه‏اى به مخنف بن سليم فرماندار اصفهان ضمن تأكيد بر رعايت اخلاق اسلامى توسط كارگزاران مالياتى در مورد ورشكستگان و بدهكاران سفارش كرده و فرمود:

«بدان براى تو در اين زكات(بيت المال) كه جمع مى‏كنى سهمى معين و حقى روشن است و شريكانى از مستمندان و ضعيفان دارى، همان گونه كه ما حق تو را مى‏دهيم تو هم بايد نسبت به حقوق آنان وفادار باشى، اگر چنين نكنى در روز رستاخيز بيش از همه دشمن دارى و واى بر كسى كه در پيشگاه خدا فقيران و درخواست كنندگان و محرومان و بدهكاران و ورشكستگان و در راه ماندگان دشمن او باشند.»(42)

5- حقوق كارگزاران دولت و قاضيان‏

يكى از مصارف بيت المال پرداخت حقوق بود. گر چه تشكيلات ادارى در صدر اسلام گستردگى امروزى را نداشت، اما در همان سطح محدود نيازهاى مالى كاركنان و مسئولان مختلف بخشهاى اجرايى و قضايى از بيت المال تأمين مى‏شد. در روايتى از امام على - عليه السلام - آمده است:

«لابد من قاض و رزق للقاضى و كره ان يكون رزق القاضى على الناس الذين يقضى لهم و لكن من بيت المال.»(43)

« چاره‏اى جز وجود قاضى و روزى براى او نيست، پسنديده نيست كه حقوق قاضى از اصحاب دعوا و طرفين نزاع گرفته شود، بلكه از بيت المال تأمين مى‏شود.»

امام على - عليه السلام - در نامه به مالك اشتر تأمين حقوق كارگزاران و رفع نيازهاى مادى آنان را متذكر شده و فرمود:

«ثم اسبغ عليهم الارزاق فان ذلك قوة لهم على استصلاح انفسهم و غنى لهم عن تناول ما تحت ايديهم و حجة عليهم ان خالفوا امرك او ثلموا امانتك.» (44)

« آنگاه بر آنان روزى را فراوان ساز؛ چرا كه اين نيرويى است كه براى اصلاح نفس آنان و سبب بى نيازى است براى آنها تا با مالى كه در اختيار دارند، دست بگشايند و حجتى است بر آنها، اگر فرمانت را نپذيرفتند يا در امانت خيانت ورزيدند.»

آن حضرت ضمن تأكيد بر امنيت شغلى قضات و لزوم شايسته سالارى در انتخاب آنان تأمين نيازهاى مالى را مورد توجه خاص قرار داده و فرمود:

« ثم اختر للحكم بين الناس افضل رعيتك فى نفسك... و افسح له فى البذل ما يزيل علته و تقل معه حاجته الى الناس.»(45)

« آنگاه براى داورى ميان مردم شايسته‏ترين فرد را از نظر خودت اختيار كن... و در بخشش به او گشاده دستى را پيشه ساز، چنان كه كاستى‏اش را بزدايد و نيازش به مردمان كم شود.»

پرداخت حقوق به كارگزاران در دوران خلفاى بعدى گسترش يافت. در زمان منصور دوانيقى حقوق كاركنان و نويسندگان بر سيصد هزار درهم بالغ مى‏شد؛ حقوق هر يك از كاركنان ناحيه موصل 200درهم بود؛ فقها نيز از دولت حقوق دريافت مى‏كردند. مقتدر، خليفه عباسى به فقيهان بغداد حقوق مى‏داد، قاريان، امناى مسجدها، نابينايان و معلولان نيز ماهيانه مستمرى دريافت مى‏كردند.(46) قابل ذكر است طبق نقل ابن منظور در لسان العرب حقوق را «صكوك» نيز مى‏گفتند؛ زيرا به صورت صك و حواله پرداخت مى‏شد.(47)

6- مخارج زندانيان و پرداخت ديه در موارد خاص‏

اگر مجرمى زندانى شود و يا ديه بر عهده كسى بيايد در صورتى كه توان پرداخت آن را نداشته باشد، حاكم اسلامى مى‏تواند از بيت المال، خانواده زندانى را تأمين و ديه مجرم را بپردازد. امام على - عليه السلام - يكى از مصارف بيت المال را رسيدگى به خانواده زندانيان قرار داده بود:

«من خلد فى السجن رزق من بيت المال.»(48)

«كسى كه به حبس ابد محكوم شود، از بيت المال ارتزاق كند.»

در اين باره روايات متعددى رسيده كه به برخى از آنها اشاره مى‏شود:

«از امام صادق - عليه السلام - در مورد كسى كه دزدى كرده بود، پرسيدند. امام فرمود: از پدرم شنيدم كه مى‏گفت: در زمان امام على - عليه السلام - مردى را كه دزدى كرده بود نزد ايشان آوردند، امام دست او را قطع كرد، مرتبه دوم آوردند، پاى او را قطع كرد، مرتبه سوم آوردند، به او زندان ابد داد و مخارج او را از بيت المال تأمين كرد و فرمود پيامبر چنين كرد و من نيز مخالفت نمى‏كنم.»(49)

« عن ابى عبدالله - عليه السلام - : ان علياً - عليه السلام - كان يطعم من خلد فى السجن من بيت المال المسلمين.»(50)

« امام على - عليه السلام - كسى را كه در زندان حبس ابد بود از بيت المال مسلمين تأمين مى‏كرد.»

بيشتر روايات مربوط به باب سرقت يا حبس ابد است، اما ظاهراً خصوصيتى در مورد اين دو جرم نيست و قابل تعميم به همه موارد محكوميت زندان است. البته از سياق روايات استفاده مى‏شود اين پرداخت مخصوص زندانى‏اى است كه فقير بوده و امكان پرداخت نفقه براى او نيست.

در كتاب احكام السجون آمده است «اول كسى كه از خلفاى راشدين نسبت به تأمين غذا و لباس زندانيان اقدام كرد، امام على - عليه السلام - بود. اگر مجرم مالى داشت امام از مال خودش مى‏پرداخت و اگر چنين تمكنى براى او نبود، از بيت المال تأمين مى‏كرد.» (51)

همچنين اگر جنايتى بر مسلمانى وارد شود كه موجب جراحت يا قتل او شود و قاتل يا جارح مشخص نباشد، ديه‏اش از بيت المال پرداخت مى‏شود.

شيخ صدوق در من لايحضره الفقيه روايتى از امام صادق - عليه السلام - به نقل از امام على - عليه السلام - آورده است:

«من مات فى زحام جمعة او عيد او عرفة او على بئر او جسر لايعلمون من قتله فديته على بيت المال.»(52)

«كسى كه در ازدحام و شلوغى روز جمعه يا عيد يا روز عرفه يا در چاه يا روى پل كشته شود و قاتل او معلوم نباشد، ديه‏اش بر بيت المال است.»

7- مؤلفة قلوبهم‏

«مؤلفة قلوبهم» كسانى‏اند كه با تشويق مالى از آنها به نفع اسلام و مسلمانان جلب محبت مى‏شود.

امام خمينى - قدس سره - فرمود:

«مؤلفة قلوبهم كافرانى هستند كه به انگيزه تمايل آنان به اسلام يا جهاد در كنار مسلمانان به آنان زكات داده مى‏شود. همچنين مسلمانان ضعيف العقيده‏اى كه براى جذب قلوب آنان مشمول زكات مى‏گردند و ظاهر آن است كه اين حق در زمان ما ساقط نشده است.»(53)

پيامبر گرامى اسلام پس از فتح مكه و نبرد با قبيله ثقيف (هوازن) در حال مراجعت به مدينه بود كه ياران اصرار كردند، غنايم را تقسيم كند. پيامبر براى اين كه بى‏نظرى خود را ثابت كند، كنار شترى ايستاد و مقدارى پشم از كوهان آن گرفت و در حالى كه آن را ميان انگشتان خود قرار داده بود، رو به مردم كرد و گفت: من از غنايم شما حتى از اين پشم جز خمس حقى ندارم، اين خمس را نيز به شما باز مى‏گردانم. بنابراين، هر فردى از شما هر نوع غنيمتى در پيش او هست، اگر چه نخ و سوزن باشد، برگرداند تا با عدالت تقسيم شود. رسول خدا - صلى الله عليه و آله - همه بيت المال را ميان مسلمانان تقسيم كرد و خمس آن را كه مخصوص خود او بود ميان سران قريش كه تازه اسلام را پذيرفته بودند، تقسيم كرد و به ابوسفيان و پسرش معاويه، حكيم بن حزام، حارث بن حارث، حارث بن هشام، سهيل بن عمرو، حويطب بن عبدالعزى و علاء بن جاريه و... كه تا ديروز از سران شرك و دشمنان قسم خورده وى بودند، صد شتر داد و به گروهى كه موقعيت آنها كمتربود، پنجاه شتر داد و آنان تحت تأثير اين بخششها قرار گرفتند.(54)

8 - فى سبيل الله‏

از جمله مصارف بيت المال «فى سبيل الله» است. در مورد اين كه مصداق «فى سبيل الله» چيست بين فقها اختلاف است كه آيا مراد خصوص جهاد يا حج است و يا تمام كارهاى نيك و عام المنفعه را شامل مى‏شود؟ صاحب جواهر آورده است:

نظر برگزيده آن است كه «فى سبيل الله» عام است و تمام كارهاى نيك را شامل مى‏شود، مانند تعمير كاروانسراها، مدرسه‏ها، مسجدها يا احداث آنها و يا وقف زمين يا كتاب‏هاى علمى يا ترويج و آماده سازى زمين جهت كشاورزى و باغدارى يا احياى قنات‏ها يا كمك به حج و زيارت يا تعزيه و تكريم علما و صالحان و حتى پرداخت مال به اهل ظلم و شر جهت استخلاص مردم از آنان يا ساختن قلعه و پادگان يا خريد سلاح جهت دفاع يا همكارى جهت تجهيز اموات و ديگر كارها.(55)

در روايات نيز پس از ذكر جهاد و حج آمده است « او فى جميع سبيل الخير».

مرحوم كاشف الغطاء در سهم «فى سبيل الله» اسلام، ايمان، عدالت، فقر و امثال آن را شرط ندانسته و هر كارى را كه در راه خدا باشد، مصداق آن مى‏داند.(56)

امام خمينى - قدس سره - نيز مى‏نويسد: «هفتم از مصارف زكات فى سبيل الله است و بعيد نيست كه مراد مصالح عمومى مسلمانان و اسلام باشد، مثل ساختن پل، احداث راه و خيابان و تعمير آنها و آنچه به آن تعظيم شعائر و اعتلاى كلمه اسلام يا دفع فتنه‏ها و مفاسد از حوزه اسلام يا دو فرقه از مسلمانان و مانند آن مى‏شود، باشد، نه هر كار نيك مانند اصلاح بين زن و شوهر يا پدر و پسر.»(57)

به اين ترتيب «فى سبيل الله» مجموعه مصارفى را كه در راه مصلحت عموم مسلمانان و پيشرفت اسلام باشد، شامل مى‏شود.

امام راحل در جواب يكى از استفتائات در مورد بسيج مستضعفان مى‏فرمايد: «تأمين نيازمنديهاى بسيج مستضعفين از مصاديق فى سبيل الله است و صرف زكات در آن اشكال ندارد.» (58)

9- ساير مصارف‏

مواردى كه در مورد هزينه بيت المال ذكر شد از اهم مصارف بود كه در آيات و روايات و كلمات فقها به آن اشاره شده است. اما بيت المال مصارف ديگرى نيز دارد كه بر حسب اولويت و به تشخيص حاكم هزينه مى‏شود. به عنوان مثال جبران خسارت‏ها و زيانهاى غير مترقبه به افرادى كه براى اسلام متحمل آن شده‏اند از جمله مصارف است. در تاريخ اسلام مى‏خوانيم پس از آن كه قبيله بنى ناجيه به وسيله خالد بن وليد غارت و قتل عام شدند، پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - از بيت المال خسارتهاى وارده به آنان را جبران كرد.

صاحب جواهر مى‏نويسد: «اگر شخصى جهت اصلاح ذات البين مالى خرج كرد، مثلاً شخصى كشته شده و قاتلش مشخص نيست و او براى جلوگيرى از فتنه، ديه مقتول را مى‏پردازد و يا مالى تلف شده و الان خوف وقوع فتنه مى‏رود و او اين مال را مى‏پردازد، شيخ طوسى و متأخران پس از وى معتقدند از سهم بدهكاران خسارت وى را جبران مى‏كنم و لزومى هم ندارد كه او فقير باشد و يا آن را پرداخت را به عهده گرفته باشد.»(59)

امام على - عليه السلام - مى‏فرمود: «كسى كه به دلخواه خود به اسلام وارد شود و به ظاهر قرآن نيز بخواند حق دارد از بيت المال ساليانه 200 دينار بستاند.»(60)

تشخيص اين موارد و اولويت سنجى آن با حاكم اسلامى و بر اساس نيازهاى هر عصر و زمان است.

ادامه دارد

پي نوشت ها:

1) نهج البلاغه، نامه 53.

2) قانون اساسى، اصل‏52.

3) الحياة، حكيمى‏ها، ج‏4، ص‏355.

4) نك: مروج الذهب، مسعودى.

5) الاموال، ابوعبيده، ص‏277، 649.

6) تاريخنامه طبرى، ج‏3، ص‏462.

7) بيت المال پيدايش و تحولات آن، ص‏111 به نقل از الاحكام ماوردى، ص‏201.

8) همان.

9) نهج البلاغه، خطبه 126.

10) شرح نهج البلاغه، ابن ابى حديد، ص‏3717.

11) وسايل الشيعه، ج‏11، ص‏81.

12) نهج البلاغه، نامه 53.

13) نهج السعادة فى مستدرك نهج البلاغه، محمد باقر محمودى، ج‏5، ص‏32.

14) نهج البلاغه، نامه 53.

15) وسايل الشيعه، ج‏12، ص‏300.

16) دانشنامه امام على - عليه السلام -، ج 7، ص‏301.

17) آثار اسلامى مكه و مدينه، رسول جعفريان، ص‏65.

18) نك: بيت المال، پيدايش و تحولات آن، ص 116 - 117.

19) سياست نامه امام على - عليه السلام -، محمدى رى شهرى، ص 580.

20) نهج البلاغه، نامه 53.

21) همان.

22) الاموال، ابوعبيده، ص‏342.

23) بيت المال پيدايش و تحولات آن، ص‏119 به بعد.

24) نيروى انتظامى امروز.

25) وصيت نامه امام خمينى (ره)

26) سوره توبه (9) آيه 103.

27) نهج البلاغه، نامه 53.

28) همان.

29) دعائم الاسلام، ج‏1، ص‏252.

30) سوره معارج (70) آيه 25 - 24.

31) نور الثقلين، ج‏5، ص‏417.

32) صحيفه نور، ج‏20، ص‏129.

33) وصيت نامه امام خمينى.

34) صحيفه نور، ج‏12، ص‏123.

35) صحيفه نور، ج‏20، ص‏235.

36) نهج البلاغه، نامه 43.

37) سوره علق‏

38) نهج البلاغه، خطبه 24.

39) سياست نامه امام على - عليه السلام - ، ص‏336.

40) سفينة البحار، ج‏1، ص‏703.

41) وسائل الشيعه، ج‏6، ص‏144.

42) نهج البلاغه، نامه 27.

43) الحكومة الاسلامية، حسين مظاهرى و ديگران، ص‏104.

44) نهج البلاغه، نامه 53.

45) همان.

46) بيت المال پيدايش و تحولات آن، ص‏114.

47) نك: لسان العرب، ماده صك.

48) مستدرك‏الوسائل، ج‏3، ص‏236.

49) وسايل الشيعه، ج‏18، ص‏493.

50) همان، ج‏11، ص‏69.

51) احكام السجون، ص‏125.

52) من لايحضره الفقيه، ج‏4، ص‏125.

53) تحرير الوسيلة، كتاب الزكاة، مسئله 12.

54) سيره ابن هشام، ج‏3، ص‏493.

55) جواهر الكلام، ج‏15، ص‏370.

56) همان.

57) تحرير الوسيله، ج‏1، ص‏302.

58) استفتائات، ص‏343.

59) جواهر الكلام، ج‏15، ص‏361.

60) بحار الانوار، ج‏92، ص‏180.